

به نام خدا

ساختار نظام انتخاباتی هند

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۱.....	سابقه و پیش‌زمینه سیاسی انتخابات در هند
۶.....	خاستگاه‌ها و منشأ سیستم انتخاباتی در هند
۱۰.....	سیستم انتخاباتی در هند چگونه کار می‌کند؟
۱۳.....	پیامدهای سیاسی سیستم انتخاباتی هند
۱۳.....	الف) تأثیر بر سیستم حزبی
۱۶.....	ب) تأثیر بر احزاب
۱۸.....	ج) تأثیر بر پارلمان
۲۲.....	د) شکل‌گیری دولت
۲۲.....	سیاست اصلاح انتخاباتی
۲۴.....	نتیجه‌گیری
۲۵.....	منبع و مأخذ

این گزارش ترجمه فصل هفتم از کتاب
The Politics of Electoral Systems
پیرامون آثار نظام انتخاباتی هند است



ساختار نظام انتخاباتی هند

چکیده

کشورهای مختلف دنیا با توجه به ساختارهای اجتماعی - سیاسی خود اقدام به طراحی و اجرای نظام‌های مختلف انتخاباتی می‌کنند که اتخاذ هر نظام بالتبع آثار مربوط به خود را به دنبال دارد. بدون تردید آشنایی با نظام‌های انتخاباتی، پیامدها و تبعات اجرای آن در کشورهای مختلف می‌تواند به تصمیم‌گیرندگان اصلاح نظام انتخاباتی در ایران، کمک شایان توجهی داشته باشد.

لذا در راستای استفاده از تجربیات سایر کشورها در این گزارش تلاش شده است آثار سیستم انتخاباتی هند با توجه به کثرت احزاب و گروه‌های این کشور مورد بررسی قرار گیرد.

سابقه و پیش‌زمینه سیاسی انتخابات در هند

هند یکی از برجسته‌ترین دموکراسی‌های جهان و شاید بزرگترین آنها به‌شمار می‌رود. این کشور با داشتن بیش از ۶۷۱ میلیون نفر رأی‌دهنده که تقریباً یک‌سوم آنها بی‌سوادند تقریباً بزرگترین سیستم دموکراسی موجود در جهان است. هند همچنین



به‌طور چشمگیر و فوق‌العاده‌ای از تنوع برخوردار بوده و در مقایسه با کشورهای اروپایی، از تنوع و گستره وسیع‌تری از نظر گروه‌های اجتماعی و زبان‌شناختی برخوردار است و با این وصف، همواره با ثبات و کارآمد عمل کرده است. از زمان برگزاری اولین انتخابات در سال ۱۹۵۱-۱۹۵۲ (به دنبال استقلال از بریتانیا در سال ۱۹۴۷)، تجربه دموکراسی در این کشور آغاز شده و تنها با یک وقفه کوتاه تداوم یافته است که آن نیز وضعیت اضطراری اعلام شده از سوی ایندیرا گاندی در سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۷ مربوط می‌شود.

در طول این دوره پنجاه‌ساله، هند بارها شاهد انتقال مسالمت‌آمیز و آرام قدرت از یک حزب حاکم به حزب دیگر بوده است. به سبب وجود امکان انحراف و فساد گسترده، انتخابات‌ها در ایالت‌های معینی مانند جامو و کشمیر در فواصل زمانی خاصی به دلیل ناآرامی شهری، معلق شده‌اند و بی‌نظمی‌های انتخاباتی نیز مانند تصاحب باجه‌های اخذ رأی توسط گروه‌های رقیب وجود داشته است، اما اکثر ناظران بر این عقیده‌اند که این مسائل مانع از آن نشده که سیستم اراده مردم را به‌طور وسیعی منعکس کند.

در توصیف اجمالی از سیستم سیاسی این کشور، باید گفت که هند از یک سیستم پارلمانی مبتنی بر مدل وست مینستر (Westminster) برخوردار است. دو مجلس پارلمانی در این کشور وجود دارند، مجلس عوام^۱ و مجلس سنا^۲ در مورد حوزه‌های انتخاباتی مربوط به مجلس عوام، که درواقع رکن اصلی قانونگذاری

۱. لک سابها

۲. راجیا سابها



محسوب می‌شود، حوزه‌های تک‌عضوی و یک نظام نخست‌گزینی (FPTP) وجود دارد. یعنی دقیقاً همان سیستمی که در انگلیس حاکم است. بدین‌سان انتخابات عمومی هر پنج سال یکبار برگزار می‌شود، یا اگر مجلس عوام توسط رئیس‌جمهور منحل شده باشد، این انتخابات زودتر برگزار می‌شود. به‌طور کلی ۵۴۳ کرسی در مجلس عوام وجود دارد. انتخابات مجلس سنا مبتنی بر سیستم غیرمستقیم است. اعضای مجلس سنا توسط هیئت تقنینی هر ایالت،^۱ با استفاده از انتخابات نسبی و توسط سیستم رأی‌گیری قابل انتقال منفرد،^۲ انتخاب می‌شوند. برخلاف اکثر سیستم‌های فدرالی تعداد اعضای که توسط هر ایالت به‌عنوان نماینده انتخاب می‌شوند، تقریباً متناسب با جمعیت آنهاست. در حال حاضر، ۲۳۳ عضو منتخب از مجلس سنا وجود دارند و دوازده نفر دیگر نیز توسط رئیس‌جمهور به‌عنوان نمایندگان ادبیات، علم، هنر و خدمات اجتماعی منصوب می‌شوند. اعضای مجلس سنا می‌توانند به مدت شش سال ایفای نقش کنند و انتخابات به‌طور متناوب برگزار می‌شود، در ضمن یک‌سوم از مجلس هر دو سال انتخاب می‌شوند.

به‌رغم اینکه سیستم انتخاباتی هند مبتنی بر مدل وست مینستر است، اما این کشور از دو جهت مهم با انگلیس متفاوت است. اول آنکه، سیستم هند یک سیستم فدرالی است، همراه با اختیارات قابل توجهی که به مجالس تقنینی ایالتی اعطا شده است. «ویدهان سابها» ها هیئت‌هایی هستند که به‌طور مستقیم انتخاب می‌شوند و به‌منظور انجام اداره دولت در بیست‌وهشت ایالت هند تأسیس شده‌اند. برخی ایالت‌ها، نظام قانونگذاری‌شان هم دارای مجلس سنا و هم مجلس عوام است. دو منطقه از هفت منطقه اتحادیه، یعنی منطقه

1. Vidhan Sabha
2. PR- STV



دهلی به‌عنوان پایتخت و پندیچری، نیز از مجالس مقننه برخوردارند.

انتخابات «ویدهان سابها» دقیقاً به همان شیوه انتخابات مجلس عوام انجام می‌شود، به این ترتیب که ایالت‌ها و مناطق اتحادیه (مناطق متحد) به حوزه‌های انتخاباتی تک‌عضوی تقسیم می‌شوند و سیستم اکثریت تک‌عضوی در آن به‌کار می‌رود. مجالس به‌لحاظ تعداد اعضا، مطابق با جمعیت شکل می‌گیرند. بزرگترین ویدهان سابها به «آتار پردیش» با ۴۰۳ عضو، مربوط می‌شود و کوچکترین آن به پندیچری با ۳۰ عضو.

دوم آنکه، هند از یک سیستم قابل توجه و برجسته «ذخیره‌سازی» (رزروسازی) برخوردار است که براساس آن، برخی حوزه‌های انتخاباتی برای کاندیداهای قبایل فهرست‌بندی شده یا طبقات فهرست‌بندی شده، ذخیره و رزرو می‌شوند. این سیستم اساساً طراحی شده تا نمایندگی را برای طبقات محروم تضمین کند و در ابتدا به‌عنوان یک تدبیر موقت وارد عرصه عمل شد اما تا به امروز ادامه یافته است.

سیستم حزبی هند، مراحل متعددی را طی کرده است. در ابتدا یک دوره طولانی از استیلا و تسلط حزب کنگره وجود داشت. [حزب] کنگره که در سال ۱۸۸۵ تأسیس شد و سابقه طولانی و متمایزی در مبارزه برای استقلال داشت، تا سال ۱۹۶۷ بر سیاست هند تسلط و حکومت داشت و از زمان استقلال تا سال ۱۹۷۷ برای تمامی مدت دوره، در مسند قدرت بود. کنگره به‌طور کلی یک حزب سکولار بود که حمایت خود را از گروه‌های اجتماعی جلب می‌کرد، هرچند نباید تصور کرد که کنگره معادل یک حزب اروپایی معاصر است. کنگره یک جنبش گسترده‌ای بود که هدف آن متحد کردن مردم هند در یک مبارزه و تلاش برای استقلال بود. از این‌رو، درحالی که کنگره



هم از هندوهای طبقات بالا و طبقات پایین و هم از مسلمانان [جلب] حمایت می‌کرد، اما این کار را نه صرفاً به‌عنوان یک استراتژی انتخاباتی و نه به‌منظور افزایش سهم خود از آرای انتخاباتی بلکه به‌عنوان یک وفاداری و تعهد قاطعانه به انسجام و اتحاد ملی انجام می‌داد.

پس از دوره استیلا و تسلط حزب کنگره، از سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۹۳ دوره‌ای وجود دارد که آن را سیستم کنگره - جناح مخالف می‌نامند. در دوره حکومت ایندیرا گاندی، کنگره منشعب می‌شود و پس از وضعیت اضطراری، در سال ۱۹۷۷، حزب جاناتا، که ائتلافی از احزاب مخالف است، قدرت را به‌دست می‌گیرد. مجدداً حزب جاناتا منشعب می‌شود و کنگره به قدرت بازمی‌گردد که بعداً دوباره توسط یک ائتلاف جدید از جبهه ملی - جاناتا در سال ۱۹۸۹، مغلوب می‌شود.

هند از سال ۱۹۹۳ شاهد حرکت به سمت سیستم چندحزبی رقابتی بوده است که دیگر نمی‌توان آن را به‌عنوان کنگره تعریف کرد. به‌ویژه ما شاهد افزایش قدرت حزب ملی‌گرای بهارایتا جاناتا بوده‌ایم که بخش عمده‌ای از سال‌های ۱۹۹۶ تا سال ۲۰۰۴ به‌عنوان یک دولت اقلیت یا در ائتلاف با احزاب منطقه‌ای در مسند قدرت بوده است. یکی از ویژگی‌های اصلی و کلیدی سیستم حزبی هند چنان که امروزه مطرح می‌شود این است که تعداد احزاب ملی اندک و تعداد احزاب منطقه‌ای بیشتر است. علاوه بر این حتی احزاب ملی متمایلند که از پایگاه‌های منطقه‌ای متمایز و مجزایی برخوردار باشند. الگوی رقابت حزبی از یک ایالت به ایالت دیگر بسیار متفاوت است که خود نشان‌دهنده تنوع اجتماعی و جغرافیایی هند است. احزاب ملی هم‌اکنون نیازمند تشکیل ائتلاف‌هایی با احزاب منطقه‌ای هستند تا بدین‌وسیله از یک شانس و فرصت واقعی در



جهت حفظ قدرت برخوردار باشند. این ائتلاف‌ها غالباً شکل توافق یا پیمان‌های قبل از انتخابات را به‌خود می‌گیرند، به این مفهوم که یک عضو از ائتلاف در حوزه‌های انتخاباتی معین قرار می‌گیرد تا بدین‌وسیله به هم‌پیمان و حامی خود اجازه رقابت آزاد را بدهد.

خاستگاه‌ها و منشأ سیستم انتخاباتی در هند

قانون اساسی ۱۹۵۰ هند، بر مبنای سیستم محدود قبلی نمایندگی انتخاباتی بنا نهاده شده است که توسط انگلیس، قبل از استقلال ارائه شده بود. از این‌رو پیوستگی قابل توجهی با دوره قبل از جنگ و شباهت زیادی با مدل پارلمانی وست مینستر دارد. با وجود این، تحمیل مدل ساده وست مینستر بر کشوری با تنوع و گوناگونی هند، نامعقول و غیرواقع‌بینانه است به‌طوری که از آغاز قرن بیستم فشارهایی برای استفاده بیشتر از تنوع جامعه هندی وجود داشت. از این‌رو، نمایندگی نسبی (PR)^۱ یک راه‌حل ممکن برای این مسئله قلمداد می‌شد اما این راه‌حل به‌خوبی درک نشده بود و در عوض انگلیس متمایل به ارائه یک سیستم رأی‌دهندگان مستقل و مجزا بود که تا آن زمان در انتخابات‌های محلی قرن نوزدهم آزموده شده بود. این سیستم اصولاً برای مسلمانان مورد پذیرش قرار گرفت، بر این اساس افراد قادر بودند به‌طور مجزا هم در کرسی‌های (مراکز) مسلمانان و هم در کرسی‌های عمومی رأی دهند. مسئله نمایندگی طبقات محروم اندکی پس از مسئله نمایندگی مسلمانان مطرح شد.



ماهاتما گاندی تا زمانی که رهبر جنبش استقلال بود درحالی که یک مبارز پیشرو در جهت احقاق حقوق اقلیت‌ها بود، قاطعانه با اصل رأی‌دهندگان مجزا مخالفت می‌کرد، بدین‌دلیل که به‌نظر وی این سیستم، اتحاد هند را تضعیف خواهد کرد و تقسیم‌ها و انشعابات فرقه‌ای را نهادینه خواهد ساخت. وی اصل رأی‌دهندگان مجزا را برای مسلمانان پذیرفت (احتمالاً بر مبنای دلایل واقع‌نگرانه و عمل‌گرایانه که این کار تنها راه برای نگهداشتن مسلمانان در چارچوب جنبش کنگره بوده است) اما قویاً و قاطعانه با توسعه رأی‌دهندگان مستقل و مجزا به طبقات محروم مخالف می‌ورزید. مصالحه و توافق نهایی (که در پیمان پونا ۱۹۳۲ حاصل شد) یک سیستم از کرسی‌های رزرو شده [در نظر گرفته شده] را برای اعضای طبقات محروم پیشنهاد می‌کرد. براساس این توافق، ابتدا انتخابات اولیه و مقدماتی وجود دارد که در آن تنها اعضای طبقات محروم قادر به رأی دادن هستند. در این انتخابات مقدماتی چهار کاندیدا انتخاب خواهند شد، سپس این چهار کاندیدا در پیش روی رأی‌دهندگان عمومی قرار خواهند گرفت، تا از میان این چهار کاندیدا با استفاده از سیستم اکثریت تک‌عضوی به انتخاب کردن بپردازند. اساساً این سیستم این هدف را داشت که اعضای طبقات محروم برای مجلس و هیئت قانونگذاری انتخاب شوند، البته آنها تنها به‌عنوان نمایندگان طبقات محروم در آنجا نخواهند بود بلکه به‌عنوان نمایندگان حوزه انتخاباتی (رأی‌دهندگان) عمومی عمل خواهند کرد. پیمان پونا بعداً از طریق قانون ۱۹۳۵ دولت هند به اجرا درآمد و مبنایی را برای قانون اساسی نهایی ۱۹۵۰ هند فراهم کرد.

قانون ۱۹۳۵، همچنین انتخابات را (بر مبنای یک حق رأی محدود) برای هیئت‌های مقننه استانی به‌وجود آورد و این انتخاباتی در سال‌های ۱۹۳۷ و ۱۹۴۶ برگزار شد.



به‌طور کلی ۸۱۷ حوزه انتخاباتی عمومی وجود داشت که ۱۵۱ حوزه برای کاندیداهای طبقات محروم رزرو شده بودند و ۷۶۴ حوزه دیگر برای رأی‌دهندگان ویژه تعیین شدند که مسلمانان تا آن زمان بیشترین تعداد (۴۸۲) را داشتند. برخلاف سیستم رأی‌دهندگان مجزا، حزب کنگره در این انتخابات بسیار خوب رفتار کرد و در هفت استان از یازده استان انگلیسی هندی در سال ۱۹۳۷، دولت تشکیل داد.

تجزیه و تقسیم هند به یک معنی، ایده رأی‌دهندگان مجزا را به سر حد منطقی بودن خود رساند. پس از تجزیه، رویه رأی‌دهندگان مجزا از میان رفت اما سایر شاخص‌های سیستم انگلیسی، مانند اکثریت تک‌عضوی ادامه پیدا کرد. بی‌کی نهری می‌نویسد «ذهن هندی کاملاً نسبت به این باور شرطی شده است که هر آنچه انگلیسی باشد بهترین است» و بر این اساس قانون اساسی ۱۹۵۰ هند را تنها یک «نسخه اصلاح شده» از قانون ۱۹۳۵ دولت هند توصیف می‌کند با وجود این، این مسئله نیز باید اذعان شود که حزب کنگره، به‌عنوان نهاد اصلی و تأثیرگذار در ترسیم قانون اساسی، از انتخابات مجلس استانی کنار رفته بود و شاید انگیزه چندان برای اصلاح سیستم انتخاباتی نداشت.

سیستم رزروسازی مربوط به طبقات محروم ادامه پیدا کرد، رزروسازی دربرگیرنده و مستلزم حوزه‌های انتخاباتی چندعضوی بود که از سیستم رأی‌گیری توزیعی استفاده می‌کرد (که بیشتر عمدتاً به‌عنوان رأی اعتباری یا رأی نسبی شناخته می‌شد: این نوع رأی‌گیری عبارت است از رأی‌گیری‌ای که ارزش رأی هر رأی‌دهنده متناسب با تعداد افرادی است که نمایندگی آنها را برعهده دارد، در این سیستم هر رأی‌دهنده‌ای به تعداد کرسی‌هایی که وجود داشت مجاز به رأی دادن بود اما



نمی‌توانست به یک کاندیدا بیش از یک رأی بدهد). رزروسازی همچنین به گروه‌های قبیله‌ای غیرهندو نیز توسعه پیدا کرد. برخورد جداگانه با گروه‌های غیرهندو دوباره در قانون ۱۹۳۵ مطرح شد. این باور انگلیسی اعتقاد داشت قبیله‌ها که بسیاری از آنها توسط مبلغان مذهبی مسیحی تغییر آیین داده شده بودند، نباید نمایندگی‌شان با هندوها باشد. قانون اساسی همچنین موارد زیر را مورد پیش‌بینی قرار داد: ذخیره‌سازی شغلی تا سقف ۲۲/۵ درصد از کل در بخش‌های دولتی، زدودن نواقص و تابوهای اجتماعی و ممنوعیت قراردادهای کار اجباری برای استهلاک قرض.

یکی از ویژگی‌های مهم دیگر قانون اساسی ۱۹۵۰، ابزار و ترفندی بود که با عنوان «قاعده رئیس‌جمهور» شناخته می‌شد، که ایندیرا گاندی زمانی که در مسند قدرت بود از آن استفاده زیادی کرد و مرکز از طریق آن می‌توانست به راحتی دولت‌های ایالتی را برکنار کند. این مسئله به سیستم سیاسی هندی پتانسیل تمرکز بسیار بیشتری نسبت به سایر سیستم‌ها اعطا می‌کرد.

سرانجام مهمترین تغییر از زمان قانون اساسی ۱۹۵۰، افزایش در تعداد ایالت‌ها و سازماندهی مجدد آنها در قالب مرزهای زبانی بوده است. سازماندهی‌های مجدد در قالب مرزهای مشابه در سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۶۶ به وقوع پیوست و سه ایالت جدید دیگر اخیراً ایجاد شده‌اند. این تغییرات در جهت افزایش احزاب منطقه‌ای – زبانی بوده‌اند. احزابی که یک شاخص اصلی از سیاست معاصر هند به حساب می‌آیند.



سیستم انتخاباتی در هند چگونه کار می‌کند؟

هند به ۵۴۳ حوزه انتخاباتی پارلمانی تقسیم می‌شود، که هر یک از آنها یک عضو پارلمانی برای مجلس عوام انتخاب می‌کند. به لحاظ نظری، اندازه و شکل حوزه‌های انتخاباتی توسط یک کمیسیون مستقل، تعیین حدود می‌شود؛ کمیسیونی که هدف و مقصود آن ایجاد حوزه‌های انتخاباتی است که تقریباً از جمعیت یکسانی برخوردارند و در عین حال این تعیین حوزه، مشروط به ملاحظات جغرافیایی و مرزهای ایالت‌ها و مناطق اداری است. این مرزبندی‌ها باید پس از سرشماری و آمارگیری ده‌ساله مورد بررسی قرار گیرند تا تغییرات مربوط به جمعیت در آن انعکاس یابد، اما تعیین حدود از سال ۱۹۷۶ تا بعد از سرشماری و آمارگیری ۲۰۰۱، به حالت تعلیق درآمد، به طوری که ظاهراً برنامه‌های تنظیم خانواده ایالات بر نمایندگی سیاسی آنها در «مجلس عوام» تأثیری نخواهد داشت.

سیاست‌های تنظیم جمعیت، یک بعد بسیار بحث‌انگیز از سیاست دولت مرکزی در آن زمان بود. از این رو، مرزبندی‌های کنونی، مرزبندی‌های مبتنی بر سرشماری ۱۹۷۱ هستند. این مسئله به تفاوت‌ها و تضادهای وسیع در اندازه حوزه‌های انتخاباتی منجر شده است. در انتخابات عمومی سال ۲۰۰۴، حوزه انتخاباتی اوتردله‌ی از بالاترین تعداد رأی‌دهندگان ثبت شده با بیش از ۳/۳ میلیون رأی‌دهنده برخوردار بود، برعکس لک شادویپ تنها با ۳۹/۰۳۳ پایین‌ترین تعداد را داشت.

همان‌طور که در بخش‌های قبل در مورد هند توضیح داده شد، دو نوع حوزه انتخاباتی رزرو شده وجود دارد: حوزه‌های انتخاباتی مربوط به طبقات فهرست‌بندی



شده (SC) و حوزه‌های انتخاباتی مربوط به قبایل فهرست‌بندی شده (قبایل غیرهندو که معمولاً در نواحی روستایی هستند). هم‌اکنون ۷۹ کرسی رزرو شده برای طبقات فهرست‌بندی شده و ۴۱ کرسی رزرو شده برای قابل فهرست‌بندی شده، در مجلس عوام وجود دارد. تعداد این کرسی‌های رزرو شده تقریباً حاکی از تناسب نسبی با تعداد افراد SC طبقات یا قبایل فهرست‌بندی شده در همه ایالت است و این کرسی‌ها معمولاً در نواحی‌ای با تمرکز بیشتر از گروه‌های درگیر، قرار دارند. با این وجود، طبقات فهرست‌بندی شده هرگز یک اکثریت واقعی از یک حوزه انتخاباتی رزرو شده محسوب نمی‌شود، (یعنی با توجه به پراکندگی جغرافیایی آنها)، نسبت ساختی و نموداری SC در یک حوزه انتخاباتی طبقات فهرست‌بندی شده رزرو شده، ۱۵-۲۰ درصد است. قبایل فهرست‌بندی شده به‌لحاظ جغرافیایی متمرکزتر هستند و نسبت ساختی و نموداری در یک حوزه انتخاباتی قبایل فهرست‌بندی شده رزرو شده ۵۰-۶۰ درصد است.

به‌دلیل نسبت بالای بی‌سوادی در هند، یک عامل کلیدی مهم در برگه‌های رأی‌گیری استفاده از نمادها و علائم به‌منظور نشان دادن احزاب است. نمادها یا علائم توسط کمیسیون انتخابات تعیین می‌شوند، به‌طوری که این کمیسیون میان احزاب ملی، ایالتی و به رسمیت شناخته نشده، تمایز و تفکیک قائل می‌شود. یک حزب باید دست‌کم نمایندگی چهار ایالت یا چهار منطقه متحد را برعهده داشته باشد تا واجد صلاحیت و شرایط لازم به‌عنوان یک حزب ملی شود. نماد و علامت یک حزب ملی نمی‌تواند توسط هیچ حزب دیگری در هیچ جای دیگر هند به‌کار گرفته شود، حتی اگر حزب ملی در آن حوزه انتخاباتی جایگاه و اعتباری نداشته باشد.



احزاب ملی شش‌گانه عبارتند از:

حزب باهوجان ساماج که عنوان و علامت فیل را به‌خود اختصاص داده؛ حزب باهاریتا جاناتا با علامت نیلوفر آبی؛ حزب کمونیست هند با علامت خوشه‌های ذرت و داس؛ حزب کمونیست هند با علامت چکش، داس و ستاره؛ کنگره ملی هند با علامت دست و حزب کنگره ملی‌گرا با علامت ساعت.

بعد از این نوبت به احزاب ایالتی می‌رسد که نمادهای خاصی به آنها اعطا می‌شود که هیچ حزب دیگری نمی‌تواند در آن ایالت از آن استفاده کند، اما دو حزب متفاوت در ایالت‌های متفاوت می‌توانند از آن استفاده کنند. از این‌رو، دو حزب شیط سنا در ماهاراشترا و حزب «جاخند موتکی مورچا» علامت تیر و کمان را استفاده می‌کنند. البته این مسئله می‌تواند منجر به مشکلاتی شود، زمانی که یک حزب جدید پدید می‌آید یا آنکه حزب از یک حزب ایالتی به یک حزب ملی تغییر می‌یابد، چنانکه در مورد حزب باهوجان ساماج به‌وقوع پیوست. مسئله این بود که دو حزب ایالتی دیگر نیز علامت «فیل» را دارا بودند. کمیسیون انتخاباتی تصمیم گرفت که اگر باهوجان ساماج بخواهد در آسام و یا سیکم به رقابت بپردازد، مجبور خواهد بود بجای علامت «فیل» علامت دیگری را به‌کار بگیرد.

یکی دیگر از شاخص‌های مهم انتخابات عمومی در هند این است که برگزاری انتخابات به‌طور مرتب به‌صورت چندهفتگی یا درواقع چندماهه تنظیم می‌شوند. برای مثال، اولین انتخابات عمومی از ۲۵ اکتبر ۱۹۵۱ تا ۲۱ فوریه ۱۹۵۲ به‌وقوع پیوست. از سال ۱۹۶۷ به بعد، انتخابات به‌صورت چند روزه تنظیم شده است و نه چندهفته‌ای و در سال ۲۰۰۴ انتخابات در طول یک دوره زمانی از ۲۰ می تا ۱۰ مه برگزار شد. این



وضعیت تا حدودی به دلایل اداری مربوط می‌شود اما در عین حال برای تأمین نظم عمومی نیز هست.

پیامدهای سیاسی سیستم انتخاباتی هند

الف) تأثیر بر سیستم حزبی

در سال ۲۰۰۴، سیستم انتخاباتی هند نتیجه نسبتاً معقولی را به بار آورد. کنگره ۲۷ درصد از آرا و نیز ۲۷ درصد از کرسی‌ها را کسب کرد. «بهاراتیا جاناتا» و حزب کمونیست هند نسبتاً سهم بزرگتری از کرسی‌ها را به نسبت آرا کسب کردند. در حالی که حزب «باهشو جان ساماج» از آنچه در یک سیستم کاملاً نسبی انتظار می‌رود، کرسی‌های کمتری را به دست آورد. این الگو، کاملاً نتیجه مستقیم درجه تمرکز جغرافیایی آرای احزاب است.

با وجود این، انتخابات ۲۰۰۴ به لحاظ درجه نسبت یا تناسب تا حدودی غیرمعمول و غیرعادی بود. در گذشته سیستم غالباً بسیار نامتناسب بوده است و آن چنان که در سیستم اکثریت تک‌عضوی انتظار می‌رفت کنگره سود درخور توجهی در این زمینه کسب می‌کرد. در سال‌های اول که کنگره به لحاظ انتخاباتی برتر، غالب‌تر و مقتدرتر بود و احزاب منطقه‌ای تا این حد توسعه یافته نبودند، کنگره سهم بزرگی از کرسی‌ها را به دست می‌آورد که معمولاً فرض می‌شد که نظام اکثریت تک‌عضوی آنها را به احزاب بزرگ اعطا می‌کند. در بخش عمده‌ای از دوران استقلال، هند به سمت عدم تناسب بیش از حد معمول در حرکت بوده است. عدم تناسب در طول سال‌های اقتدار کنگره، در اوج خود بود. این شاخص در سال‌های سیستم جناح مخالف کنگره به طور



وسعی در نوسان بوده و در طول دوره اخیر سیستم چندحزبی (دست‌کم با معیارهای هندی) نسبتاً پایین آمده است.

عوامل متفاوتی وجود دارند که در درک تغییر نسبت میان کرسی‌ها و آرا دخیل هستند. مطمئناً یک عامل خود سهم آرای است که کنگره دریافت می‌کرده است. کنگره زمانی که بیش از ۴۰ درصد از آرا را به دست می‌آورد، همواره سهم زیادی از کرسی‌ها را به دست آورده است. عامل دوم میزان اتحاد جناح مخالف است. از این‌رو در انتخابات پس از وضع اضطراری سال ۱۹۷۷ که در آن جناح مخالف متحد شدند و به عنوان یک حزب واحد در مبارزه انتخاباتی شرکت کردند، کنگره درصد کوچک‌تری از کرسی‌ها را نسبت به آرا به دست آورد. اما در سال ۱۹۹۱، جناح مخالف در بیشترین تشقت و دودستگی خود قرار داشت و کنگره علیرغم دریافت سهم مشابهی از آرا در کسب امتیاز قابل توجهی از کرسی‌ها موفق شد. مسئله بعدی (عامل سوم) میزانی است که احزاب جناح مخالف تا آن درجه به لحاظ جغرافیایی متمرکز هستند و قادرند سهم رأی انفرادی خود را به کرسی‌ها انتقال دهند که این مسئله به نفع حزب بهاراتیا جاناتا عمل کرده است.

سیستم انتخاباتی هند یک سیستم حزبی بسیار تکه‌تکه را به وجود آورده است که در طول زمان به طور چشمگیری تکه‌تکه‌تر و جزءجزء‌تر شده است. انشعابات و دودستگی‌های حزبی مکرر و پی‌درپی و نیز ادغام و انشعابات متقابل حزبی به طور چشمگیری تعداد احزابی را که اکنون در انتخابات به رقابت می‌پردازند، افزایش داده است. در سال ۱۹۵۲ هفتاد و چهار حزب به رقابت انتخاباتی (می) پرداختند اما تا سال ۲۰۰۴ این تعداد به ۲۳۳ افزایش یافته است.



تعداد احزاب رقابت‌کننده در انتخابات، در سال ۱۹۸۹ جهش یافت و به‌لحاظ تاریخی همچنان بالا باقی مانده است. به همین ترتیب نیز شاخص‌های مربوط به تعداد واقعی احزاب نیز در سال ۱۹۸۹ جهش یافت و تاکنون تا حدودی سیر صعودی داشته است. در اوایل که کنگره از اقتدار برخوردار بود، هند ظاهراً شبیه به سیستم دوحزبی به‌نظر می‌رسید که معمولاً فرض بر این بود که سیستم SMP (اکثریت تک‌عضوی) آن را ایجاد می‌کند (گرچه در واقع هیچ حزب مخالف واحدی در این سال‌ها وجود نداشت) با این وجود، در جدیدترین انتخابات، ظاهراً هند به‌طور فوق‌العاده‌ای پراکنده و از هم گسیخته شده است. و به‌وضوح اکنون یک سیستم چندحزبی وجود دارد. در یک نگاه سطحی، این مسئله چالش بزرگی را برای کشور ایجاد می‌کند.

با وجود این، تغییرات در سطح هند موجب شده طبیعت و نوع رقابت‌های سیاسی را که در این کشور وجود دارد به‌طور چشمگیری غلط جلوه دهند. بجای آنکه به هند به‌عنوان یک سیستم چندحزبی نگریسته شود، صحیح‌تر آن است که هند به‌عنوان مجموعه‌ای از سیستم‌های دوحزبی در سطح ایالتی توصیف شود.

اولین مسئله‌ای که باید خاطر نشان کرد این است که تعداد واقعی احزاب در سطح ایالتی نسبت به آنچه در سطح ملی به چشم می‌خورد، بسیار کمتر است. این مسئله در مورد هر دو مقیاس تعداد واقعی احزاب درست است.

افزایش سریع در تعداد واقعی احزاب زمانی که در کل هند سنجیده می‌شود، با سطح ایالتی و سطح حوزه انتخاباتی هم‌سنگ و هم‌تراز نیست. تعداد واقعی احزاب در این سطوح با انباشتگی و تجمع کمتر تا اندازه‌ای در طول زمان ثابت باقی مانده است، به‌طوری که از الگوهای تقریباً مشابه پیروی می‌کند:



سطح ایالتی تا حد زیادی آنچه را در حوزه‌های انتخاباتی رخ می‌دهد، منعکس می‌کند. اما نکته اساسی و مهم این است که، درحالی که در آغاز دوره، اکثر ایالت‌ها، شاهد یک رقابت میان کنگره و طیف وسیع و متنوعی از احزاب جناح مخالف بودند، هند اکنون با الگوهای متفاوت رقابت حزبی در ایالت‌های مختلف شناخته می‌شود.

(ب) تأثیر بر احزاب

ترکیب سیستم انتخاباتی، ساختار فدرالی سیستم سیاسی هند و تنوع اجتماعی رأی‌دهندگان، پیامدها و نتایج مهمی برای احزاب داشته است، گرچه این نتایج و پیامدها در طول مراحل مختلف سیاست هند متفاوت بوده است. در دوره اول، یعنی در دوره اقتدار و تفوق کنگره اختلافات و درگیری‌ها و میانجیگری‌های بسیار زیادی در داخل خود حزب به‌وقوع می‌پیوست. کتاری در مقاله کلاسیک و قدیمی و مشهور خود (۱۹۶۴) طبیعت سیستم کنگره را توصیف می‌کند، همان‌طور که وی توضیح می‌دهد:

رقابت سیاسی در درون کنگره انجام می‌شد. در هر سطحی از فعالیت سیاسی سیستم پیچیده‌ای از اقلیت‌ها و جناح‌ها به‌وجود می‌آمد و یک سیستم هماهنگی میان سطوح مختلف نیز از طریق «زنجیره‌های جناحی» مختلف شکل می‌گرفت. این اقلیت‌ها و جناح‌ها که در ابتدا بر مبنای رقابت انفرادی میان رهبران به‌وجود می‌آمدند، سپس پیرامون شبکه‌ای کارآمد متشکل از گروه‌های اجتماعی متعدد و براساس رابطه رهبر-موکل شکل می‌گرفتند و ساختار پیچیده و درهم‌بافته‌ای از درگیری و نزاع،



میانجیگری، چانه‌زنی و اتفاق‌نظر در ساختار کنگره به‌وجود می‌آوردند.^۱

یکی از ابعاد مهم و کلیدی سیستم حزب کنگره در این دوره تمایل ویژه جواهر لعل نهرو به تجویز مصالحه و توافق و چانه‌زنی میان جناح‌های مرکزی و جناح‌های سطح ایالتی بود. دختر وی، ایندیرا گاندی، زمانی که نخست‌وزیر شد، مسیر متفاوتی را پیش گرفت. در دوران رهبری وی، قدرت متمرکز شد و در نتیجه شکاف‌ها و دودستگی‌های حزبی (و ادغام‌ها) به امری رایج و معمول تبدیل گشت.

حزب کنگره اولین بار در سال ۱۹۶۹ به جناح‌های طرفدار خانم گاندی و ضدخانم گاندی تقسیم و منشعب شد که در انتخابات سال ۱۹۷۱ به‌عنوان احزاب مجزا و مستقل با هم به رقابت پرداختند و پس از شکست در سال ۱۹۷۷، کنگره دوباره تقسیم و منشعب شد. با وجود این، انشعاب‌ها و ادغام‌ها در این دوره، منحصر به کنگره نبود. در سال ۱۹۷۷، تمامی احزاب اصلی جناح مخالف متحد شدند تا به‌عنوان یک جبهه مشترک در قالب حزب جاناتا در انتخابات شرکت کنند. گرچه این حزب توسط کمیسیون انتخابات به‌عنوان یک حزب قانونی واحد به رسمیت شناخته نشد. در این زمان هند از یک سیستم دوحزبی در سطح ملی برخوردار بود. با وجود این، حزب جاناتا به‌سرعت از هم پاشید و به طیفی از احزاب رقیب تقسیم شد.

تفرقه‌ها و چنددستگی‌های دوره قبل و شکاف‌ها و انشعابات دوره میانی، احتمالاً هر دو یک علت و منشأ اساسی یکسانی داشتند، یعنی پایگاه‌های قدرت منطقه‌ای متمایز و مجزای سیاستمداران و دولتمردان ایالتی که می‌توان به‌عنوان دو روی یک سکه بدان نگریست. در دوره سوم، این پایگاه‌های قدرت منطقه‌ای پایه‌ای برای احزاب

۱. کتاری، ۱۹۶۴، ص ۴۲.



منطقه‌ای بادوام و پایدار شده‌اند که این مسئله منجر به یک تغییر جهت و جابجایی از درگیری و مذاکره درون حزبی به روابط بین حزبی شد.

ج) تأثیر بر پارلمان

درحالی که کلیت و شمول حزب کنگره بدین‌معنا بود که آن حزب می‌تواند حمایت مسلمانان را همانند هندوها و حمایت طبقات بالاتر را همانند طبقات و قبایل عادی به‌دست آورد، به زبان اجتماعی اعضای مجلس عوام بسیار متفاوت از اعضای رأی‌دهندگان بودند، به‌طوری که شاید این تفاوت بسیار بیشتر از آن چیزی باشد که در هر دمکراسی دیگری مطرح است. یک نظرسنجی از اعضای هشتمین مجلس عوام در سال‌های ۱۹۸۳-۱۹۸۴ به این نتیجه رسید که ۷۵ درصد از اعضای پارلمان (MPها) فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بودند که این رقم با رقم کمتر از ۲ درصد مربوط به رأی‌دهندگان هندی در آن زمان، قابل مقایسه است. بر همین قیاس، این احتمال بسیار بیشتر وجود داشت که اعضای پارلمان در زبان انگلیسی از رأی‌دهندگان هندی فصیح‌تر باشند. ۱۳ درصد از اعضای پارلمان در نظرسنجی، زبان انگلیسی را به‌عنوان زبان اول خود تلقی کردند و ۷۷ درصد در انگلیسی فصیح بودند. با توجه به این واقعیت که تنها حدود ۲ درصد از جمعیت هند، عملاً انگلیسی صحبت می‌کنند، زبان انگلیسی به‌وضوح حربه قدرتمندی برای حذف و ممانعت از ورود به حساب می‌آید، یعنی شیوه‌ای از انسداد اجتماعی است که اکثریت وسیعی را از ورود به عرصه خبگان و برگزیدگان سیاسی باز می‌دارد. بدین‌ترتیب اکثریت وسیعی بجز کرسی‌های رزرو شده را حذف می‌کند. همچنین این احتمال بسیار وجود داشت که اعضای



پارلمان از مشاغل اداری و کارمندی (در مقابل مشاغل کارگری) برخوردار باشند تا رأی‌دهندگان و نیز این احتمال بسیار کم بود که اعضای پارلمان از پیش‌زمینه‌های کشاورزی خارج شوند (یعنی بزرگترین طبقه مجزای واحد در رأی‌دهندگان هندی در آن زمان). همچنین زنان از نمایندگان بسیار کمی برخوردار بوده‌اند. در سال ۲۰۰۴، زنان تنها ۶ درصد از کاندیداها و ۸ درصد از اعضای پارلمان را تشکیل می‌دادند.

از سوی دیگر، اعضای پارلمان، برحسب مذهب، زبان اول (به‌غیر از انگلیسی) و کاست (طبقه اجتماعی)، بسیار قوی‌تر با رأی‌دهندگان هماهنگی دارند. این عوامل (و نه شغل یا تحصیلات) شکاف‌های اجتماعی بسیار مهم و حساسی هستند که به‌لحاظ سیاسی در هند مطرح هستند.

رزروسازی در تضمین این مسئله که اعضای طبقات فهرست‌بندی شده (SC) و قبایل فهرست‌بندی شده (ST) قادرند به مجلس عوام وارد شوند، به‌وضوح حائز اهمیت بوده است. از آنجا که تمامی احزاب اصلی مجبورند کاندیداهایی را از طبقات یا قبایل فهرست‌بندی شده پیشنهاد و معرفی کنند تا در حوزه‌های انتخاباتی رزرو شده جای بگیرند، این تضمین به‌وجود می‌آید که تعداد قابل توجهی از اعضای این گروه‌ها مسلماً در مجلس عوام حضور یابند. با این وجود، این امر اشتباه خواهد بود که فرض کنیم اعضای پارلمان، نماینده حوزه‌های انتخاباتی خود به‌لحاظ سایر ویژگی‌های اجتماعی خود هستند. شاید این مطلب تعجب‌آور نباشد که مطالعات مربوط به ویژگی‌های اجتماعی نمایندگان منتخب از طریق کرسی‌های رزرو شده، حاکی از آن است که احتمال اینکه آنها باسواد و تحصیل کرده باشند بسیار بیشتر است تا اعضای عادی قبایل فهرست‌بندی شده. نظرسنجی مذکور در مجلس عوام هشتم حاکی از آن



بود که تمامی اعضای پارلمان از کرسی‌های رزرو شده باسواد بودند، درحالی که در زمان نظرسنجی، تنها ۳۶ درصد از اعضای عادی و ساده قبایل فهرست‌بندی شده و طبقات فهرست‌بندی شده باسواد بودند. علاوه بر این، نصف یا بیش از نیمی از اعضای پارلمان (نمایندگان) طبقات و قبایل فهرست‌بندی شده فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها بودند که این میزان تنها یک درصد از جمعیت رأی‌دهندگان طبقات و قبایل فهرست‌بندی شده را تشکیل می‌دهد.

برای اطمینان باید دانست که نمایندگان طبقات و قبایل فهرست‌بندی شده نسبت به سایر نمایندگان از حوزه‌های انتخاباتی عمومی، تحصیلات کمتری داشتند و احتمال اینکه در زبان انگلیسی نیز فصیح باشند کمتر بود، اما معنای آنها یک گروه برگزیده و خاص بودند.

این مطلب نیز گفته شده است که نمایندگان حوزه‌های انتخاباتی رزرو شده، نگرانی‌ها و منافع طبقات و قبایل فهرست‌بندی شده را بیان نکرده‌اند. چون آنها بازیچه‌های طبقه‌های بالاتر بوده‌اند. علاوه بر این، استدلال می‌شود که با توجه به هزینه فزاینده شرکت و رقابت در انتخابات، کاندیداها باید علاقه‌مند به اطاعت و پیروی از هر گونه شرایطی باشند که توسط احزاب پیشرو و اصلی دیکته و تحمیل می‌شود تا بدین‌وسیله نامزدی حزب را به‌دست آورند. علاوه بر این، این واقعیت که SCها هرگز از قدرت رأی‌دهی برخوردار نیستند که بتوانند انتخابات را تحت نفوذ و سلطه خود درآورند، بدین‌معناست که انتخاب مجدد، به‌دست یافتن و رسیدن به یک حوزه انتخاباتی اجتماعی وسیع‌تر وابسته است. نمایندگان حوزه‌های انتخاباتی رزرو شده در تلاش برای افزایش شانس خود در انتخاب مجدد، با همان فشارهای انتخاباتی



ناشی از کرسی‌های غیررزرو شده، مواجه می‌شوند و این مسئله ضرورتاً مستلزم تبلیغ و حمایت از منافع و مصالح فرقه‌ای یا منطقه‌ای طبقه‌های فهرست‌بندی شده یا قبایل فهرست‌بندی شده نیست.

در مورد رأی‌دهندگان، شواهد اخیر برگرفته از مطالعات انتخابات ملی هند نشان می‌دهد که عوامل تأثیرگذار بر رأی‌گیری در کرسی‌های رزرو شده بسیار مشابه همان عوامل تأثیرگذار در حوزه‌های انتخاباتی عمومی هستند. از این‌رو، احتمالاً طبقه‌های بالاتر از حزب باهاراتیا جاناتا حمایت می‌کنند تا طبقات فهرست‌بندی شده یا مسلمانان. همین‌الگو در مورد حوزه‌های انتخاباتی رزرو شده وجود دارد. حوزه‌های انتخاباتی رزرو شده نسبت به حوزه‌های انتخاباتی عمومی، با توجه به نظام طبقاتی خاص خود، بیشتر قطبی هستند. این واقعیت که حزب باهاراتیا جاناتا مجبور است کاندیداهای طبقه فهرست‌بندی شده را در حوزه‌های انتخاباتی رزرو شده، به میدان بفرستد، به نظر نمی‌رسد بر محبوبیت و شهرت آن در میان رأی‌دهندگان طبقات فهرست‌بندی شده بیافزاید. البته، از آنجا که سایر احزاب در این حوزه‌های انتخاباتی نیز ناچارند کاندیداهای طبقات فهرست‌بندی شده را به میدان بفرستند، تفاوت جدی به وجود نخواهد آمد اما نکته مهم این است که این مسئله برای کم‌رنگ کردن تلقی و برداشتی که از حزب باهاراتیا جاناتا به عنوان یک حزب طبقه برتر وجود دارد، کافی نیست. برحسب اتفاق حزب باهاراتیا جاناتا عملاً بسیاری از حوزه‌های انتخاباتی رزرو شده را در نواحی سنتی در دهه ۱۹۹۰، به دست آورد اما این کسب پیروزی بر مبنای حمایت سنتی و قدیمی طبقه برتر صورت می‌گرفت، نه به دلیل نوگرویندگان به SC وجود دارند. همین فرآیندها ظاهراً در حوزه‌های انتخاباتی قبایل فهرست‌بندی شده نیز وجود ندارند.



د) شکل‌گیری دولت

در هند با وضعیت و موقعیتی روبرو هستیم که در آن ساختار رقابت حزبی از ایالتی به ایالت دیگر متفاوت است و مسئله اصلی و عمده‌ای که هر حزب امیدوار به تشکیل یک دولت، با آن روبروست، این امر نیست که اکثریت نسبی را کسب کند بلکه این است که چگونه باید ائتلاف‌های بین ایالتی قوی و محکمی تشکیل بدهد. حزب باهاراتیا جاناتا، در سال ۱۹۹۶ تشخیص داد که این کار با سختی روبرو است. این حزب با ۱۶۱ کرسی بزرگترین حزب در مجلس عوام بود و یک دولت اقلیت را به مدت سیزده روز تشکیل داد. با این وجود، نتوانست شریک‌های ائتلافی کافی را پس از انتخابات به دست آورد.

سیاست اصلاح انتخاباتی

ضرورت نسبتاً اندکی برای اصلاح قانون اساسی وجود داشته است. مهمترین و فوری‌ترین مسائل اصلاحی مسائلی هستند که در عملکرد سیستم فعلی دخیل هستند. به ویژه، فساد سیاسی، مرزبندی‌های حوزه انتخاباتی (روزآمد کردن و نو کردن مرزهای فعلی ۱۹۷۱)، تشکیل ایالت‌های بیشتر (یا از طریق تقسیم کردن ایالت‌های موجود به اجزای کوچک‌تر یا از طریق اعطای استقلال ایالتی به سرزمین‌های متحد و یکپارچه فعلی)، و مسئله جنبش‌ها و نهضت‌های جدایی طلبانه در کشمیر و بخش‌هایی از شمال شرق از این قبیل مسائل هستند.

اصلاح اساسی قانون که شاید بیشترین بحث عمومی را برانگیخته است،



جایگزینی مدل وست مینستر موجود با یک سیستم ریاست‌جمهوری آمریکایی یا فرانسوی می‌باشد. عدم ثبات سیاسی دهه ۱۹۹۰ (همراه با انتخابات‌های مکرر و دولت‌های اقلیت)، یکی از مسائل مورد توجه اساسی بوده است که زیربنای پیشنهادات اصلاحی را تشکیل می‌دهد. برخی از انگیزه‌ها و حرکت‌ها نیز از مبنای غیرمنطقی برخوردار بوده‌اند. حزب «باهاراتیا جاناتا» به‌ویژه از انتخاب سیستم ریاستی حمایت کرده است، تا زمینه ظهور جناح معتدل و میانه‌رو قوی‌تری را فراهم کند و بر مشکل شکل‌گیری دولت‌های اقلیت غلبه کند.

علاوه بر این، این تصور به‌طور گسترده وجود داشت که پایگاه و منزلت «اتل بهاری واج پاپی»، رهبر حزب «باهاراتیا جاناتا»، بیشتر از پایگاه و منزلت حزب وی است و این تصور نیز وجود داشت که شانس وی در به‌دست آوردن منصب در یک سیستم ریاستی، بیشتر از سیستم وست مینستر است.

با وجود این، جایگزینی مدل وست مینستر با سیستم ریاستی ظاهراً دیگر در برنامه‌های سیاسی حائز اهمیت نیست. بازنگری در قانون اساسی، از توصیه‌های کمیسیون اخیر نبود و توانایی حزب باهاراتیا جاناتا در ایجاد یک دولت کارآمد و باثبات از سال ۱۹۹۹ تا سال ۲۰۰۴ از طریق ائتلاف‌های منطقه‌ای، دلالت بر کاهش احتمال معرفی سیستم ریاستی دارد.

این مسئله عجیب نیست که حمایت قابل توجهی نیز به‌ویژه از سوی استادان دانشگاه، در حرکت به سوی نظام اکثریتی وجود دارد. با این وجود، یکبار دیگر، توانایی سیستم هند در اقتباس و تأسیس یک سیستم چندحزبی به همراه دولت ائتلافی مبتنی بر ائتلاف‌های قبل از انتخابات، انگیزه مربوط به ارائه نظام اکثریتی برای این



زمان را از بین برده است. اگر عدم ثبات دهه ۱۹۹۰ تکرار شود، این وضع ممکن است تغییر کند، متعاقب نتایج انتخابات ۲۰۰۴، کنگره و متحدان آن یک دولت اقلیتی را تشکیل داده‌اند و برای تداوم دولت بر حمایت جبهه چپ متکی و وابسته‌اند. اما هند به‌طور موفقیت‌آمیزی خود را با مسائل و مشکلات قبلی از این نوع وفق داده و قوی‌ترین احتمالی که در این رابطه وجود دارد این است که در آینده در چارچوب فعلی تحولاتی رخ دهد نه آنکه تغییر رادیکالی در آن ایجاد شود.

نتیجه‌گیری

هند برای بخش عمده‌ای از تفکر غربی مظهر یک چالش در مورد سیستم‌های انتخاباتی، است. این کشور یک نمونه نادر از یک کشور در حال توسعه با تنوع بسیار است که یک دموکراسی باثبات را، به مدت بیش از پنجاه سال (با یک وقفه کوتاه) حفظ و پیش‌بینی‌های مربوط به اضمحلال و سقوط دموکراسی و ازهم‌پاشیدگی دولت و کشور را نقش بر آب کرده است. این کشور ضمن حفظ کامل سیستم اکثریت تک‌عضوی، از یک سیستم حزبی غالب به یک سیستم چندحزبی، بدون تبعات معمول آن (که توسط تئوری‌های موجود ضروری و لازم تلقی می‌شوند)، انتقال یافته است.

شاید یک تئوری جایگزین (یا دست‌کم یک تئوری تکمیلی) ضروری و لازم باشد. توضیح یا توجیه برای تئوری جدید بیشتر مبتنی بر فرهنگ سیاسی دموکراتیک است، فرهنگی که در زندگی مردم هند و از طریق ویژگی دموکراتیک کنگره قبل و بعد از استقلال، ریشه‌دار و تثبیت شده است. نقش وحدت بخش ملی‌گرایی نیز، که هم در



مبارزه برای استقلال از انگلیس و هم در جنگ‌های پی‌درپی با پاکستان بدان قوام و استحکام بخشیده شده است، نمی‌تواند بی‌اهمیت شمرده شود. پس از گذشت بیش از چهار دهه، دولت و حکومت هند همچنان پایدار باقی مانده است و در سال ۲۰۰۴ این کشور یکبار دیگر شاهد انتقال آرام و صلح‌جویانه قدرت بود. درحالی که چالش‌های بسیاری برای دموکراسی هند همچنان باقی مانده است، اما سوابق نشان می‌دهد که دموکراسی هند همچنان به تحول و تکامل خود ادامه می‌دهد تا با چالش‌های رودرروی خود مقابله کند و بر چالش‌های موجود فائق آید.

منبع و مأخذ

Anthony Heath, siana Glouharova, Oliver Heath, "India: Two Party Gontests Within a Multiparty System", In The Politics of Electoral System, oxford University Press, pp. 137-156, 2008.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۰۰۲۴

عنوان گزارش: ساختار نظام انتخاباتی هند

نام دفتر: سیاسی (گروه سیاست داخلی)

ترجمه: احمد رحیمی مقدم

ناظر علمی: ابوزر گوهری مقدم

متقاضی: معاونت پژوهشی

سرپرستار: حسین صدری نیا

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۸۸/۱۰/۱